

کاربست نظریه قابلیت‌های محیط جهت خلوت‌گزینی ساکنین در مسکن معاصر؛ مطالعه موردی: آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه در شهر تهران

آزاده رضایی*، محمدرضا پورزرگر**، وحید شالی‌امینی***

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۸/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۴۰۲/۰۳/۳۰

چکیده

امروزه با افزایش نرخ رشد جمعیت و بالا رفتن قیمت زمین و مسکن، مساحت آپارتمان‌های مسکونی در کلان‌شهرها کاهش یافته که منجر به تعرض به خلوت و حریم شخصی ساکنین آپارتمان‌ها گردیده است. باین‌حال از آنجایی که باید قابلیت در محیط وجود داشته باشد که یک رفتار در آن محیط تحقق یابد، می‌توان از هر یک از قابلیت‌های موجود در محیط به‌منظور خلوت‌گزینی بهره جست. این پژوهش با رویکردی ترکیبی و بر اساس روش توصیفی - تحلیلی و پیمایشی به بررسی ماهیت خلوت و چگونگی تحقق آن از طریق نظریه قابلیت‌های محیطی می‌پردازد. در این پژوهش این پرسش مطرح است که چگونه می‌توان از نظریه قابلیت‌های محیط به‌منظور خلوت‌گزینی ساکنین آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه بهره جست؟ که به‌منظور پاسخ به پرسش اصلی تحقیق پس از مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی مبانی نظری، تعدادی نمونه مطالعاتی انتخاب و به بررسی وضع موجود در آنان از منظر امکان‌سنجی کاربری نظریه قابلیت‌های محیط به‌منظور خلوت‌گزینی پرداخته شد. در ادامه بر اساس مؤلفه‌های تنظیم‌شده بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و وضع موجود در نمونه‌های مورد مطالعه، پرسش‌نامه‌های تخصصی در اختیار جامعه آماری متخصص قرار داده شد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این بخش با استفاده از آزمون T-Test، فریدمن، تحلیل عاملی و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری است که در این بخش از پژوهش از دو نرم‌افزار smartpls3 و spss22 استفاده شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که بعد «فرهنگی - اجتماعی» با میانگین رتبه‌ای ۲/۴۳ بیشترین تأثیر را از منظر چگونگی خلوت‌گزینی و تحقق آن در مسکن از سوی ساکنین ایفا می‌کند. در ادامه بعد «کالبدی» با میانگین رتبه‌ای ۲/۰۱ و بعد معنایی با میانگین رتبه‌ای ۱/۵۶ به ترتیب بعد از بعد «فرهنگی - اجتماعی» بیشترین تأثیر را بر خلوت‌گزینی ساکنین آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه ایفا می‌کند. بر اساس نتایج تحقیق، یکی از علل تنزل کیفیت خلوت‌گزینی ساکنین توجه صرف طراحان به ویژگی‌های عملکردی در طراحی و عدم توجه به ویژگی‌های فرهنگی و الگوهای رفتاری آنان است.

کلمات کلیدی: نظریه قابلیت محیط، خلوت، اجتماع‌پذیری، آپارتمان مسکونی کوتاه مرتبه.

* دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
** استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

Moh.pourzargar@iauctb.ac.ir

*** استادیار، گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری معماری آزاده رضایی با عنوان «تبیین الگوی مفهومی به جهت ارتقاء کیفی جایگاه «خلوت» در آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه در چهار دهه اخیر در شهر تهران» به راهنمایی دکتر محمدرضا پورزرگر و مشاوره دکتر وحید شالی‌امینی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی است.

مقدمه

امروزه در کلان‌شهرها با رشد روزافزون جمعیت و باتوجه‌به محدودیت‌های ناشی از توسعه افقی شهر (محصور بودن بین ارتفاعات و موانع طبیعی) و مسئله صرفه اقتصادی (صرفه‌جویی ناشی از مقیاس) ضرورت توسعه عمودی و آپارتمان‌نشینی احساس می‌گردد (Bott, 2012: 25). تبدیل زندگی در مسکن تک خانواری با مفهوم خانه به زندگی در مسکن آپارتمانی، تغییر فرهنگی اساسی در سبک زندگی و الگوی معاشرت با همسایگان به وجود آورد، در شکل جدید همسایگی و زندگی در ارتفاع، مفاهیمی چون تعلق مکانی، فضای خلوت فردی و خانوادگی، و تعامل اجتماعی با دیگران تضعیف شد و گاه جایش را به زندگی فردی و انزوای اجتماعی داد (حبیب زاده عمران و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۴). از دیدگاه روان‌شناسی محیطی، طبق نظر گیفورد و همکاران (۲۰۱۱)، محققان در سه سطح عمل می‌کنند: (۱) فرایندهای روان‌شناختی اساسی، مانند ادراک محیط، شناخت فضایی و شخصیت، به‌عنوان ساختاری برای ادراک تجربه و رفتار انسان، (۲) مدیریت فضای اجتماعی، مانند خلوت و فضای شخصی، قلمروییابی، ازدحام، حریم خصوصی و ...، و (۳) تعاملات انسانی (De macedo et al., 2022) که از منظر این پژوهش خلوت ساکنین موردبررسی قرار می‌گیرد.

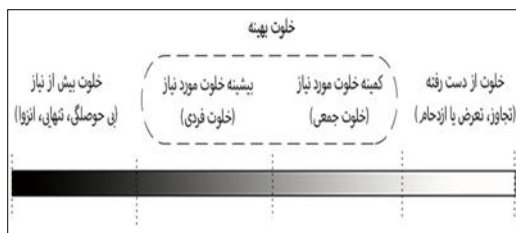
از طرفی، از نظر راپاپورت مفاهیمی چون انطباق، انعطاف و قابلیت شخصی‌سازی به‌ویژه در مقوله مسکن، نیاز اساسی است (Pallasmaa, 2009). قابلیت محیط نسبت ادراک شخص به محیط را مشخص می‌سازد. به این معنی که یک محیط با قابلیت‌هایش ممکن است -برای فرد باتوجه‌به برخی از ویژگی‌های ساختاری و عملکردی او- مناسب باشد اما برای

دیگری نه. این کیفیت مختلف قابلیت‌های محیط است که آن را شگفت‌انگیز و بحث‌برانگیز می‌سازد (Heft, 2005: 123-124). در فضای داخلی فضا‌های سکونت، قابلیت‌های محیط، اشکال اجتماع‌پذیری را در داخل و خارج از خانه تغییر داده است (Nguyen, 2020). یکی از همین قابلیت‌ها میزان کنش‌های اجتماعی در محیط است، یا به تعبیری فضای اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز (مولوی نجومی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۴) که فضای اجتماع‌پذیر قابلیت جمع کردن افراد به دور یکدیگر به‌منظور تأمین «خلوت جمعی» و نیز فضای اجتماع‌گریز که قابلیت تأمین «خلوت فردی» ساکنین را ایفا می‌کند. فقدان تعادل میان تنظیم خلوت فردی و جمعی ساکنین باعث سلب آسایش ساکنین، احساس ازدحام و تنزل رضایتمندی آنان از محل زندگی خود می‌گردد.

در یک جمع‌بندی، مسئله اصلی این پژوهش بر این مهم اشاره می‌کند که رشد روزافزون جمعیت در کلان‌شهرها (ازجمله در شهر تهران) منجر به تحولات متعدد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی گردید که نمود آن در سبک زندگی و کاهش مساحت آپارتمان‌ها آشکار است. کاهش مساحت آپارتمان‌ها باعث از بین رفتن نسبی سلسله‌مراتب‌ها، یکپارچگی قلمروها و عدم تفکیک میان فضا‌های خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی گردید. از آنجایی که رعایت نظام‌های فضایی و نیز حفظ تعادل در فواصل اجتماعی منجر به تنظیم سازوکار خلوت و تعامل اجتماعی ساکنین می‌شود، درواقع مشکلات و معضلات شکل‌گیری و تحقق خلوت حریم خصوصی در زندگی روزمره خانواده‌ها به‌ویژه مشکلاتی که با کمبود فضا همراه است، بیش‌ازپیش آشکار شده است (Merino et al., 2021). لذا یکی از معضلات اساسی در آپارتمان‌های مسکونی معاصر تضعیف نحوه خلوت‌گزینی ساکنین است. حال

(Adawi, 2019).

تأمین خلوت مطلوب برای ساکنان هر خانه و همسایگان، در روابط اجتماعی فی‌مابین، افزایش تعاملات اجتماعی در فضا را نشان می‌دهد. پژوهشگران مراتبی را بر مفهوم طیف گونه خلوت مرتبط دانسته‌اند. باتوجه به این تعاریف و در موضوع خانه، در حدفاصل دو حد نهایی طیف خلوت، دو مفهوم «خلوت جمعی» و «خلوت فردی» قابل تعریف است. بر این اساس، خلوت فردی مجالی ایجاد می‌کند تا هویت فردی ساکنان خانه بر اساس تفاوت‌های آن‌ها شکل گیرد و خلوت جمعی فرصتی جهت تکوین هویت جمعی ایشان بر پایه اشتراکات میان آن‌ها تدارک می‌بیند (تصویر شماره ۱).



ت ۱. «خلوت فردی» و «خلوت جمعی» و جایگاه آن‌ها در طیف خلوت (مأخذ: خامنه زاده، ۱۳۹۶: ۳۴)

فضاهای اجتماع‌پذیر و اجتماع‌گریز

فضاهای اجتماع‌پذیر تأمین‌کننده بسیاری از فعالیت‌های مورد استفاده کاربران است (Lennard & Lennard, 1993). اجتماع‌پذیری، با برقراری تعامل و ارتباط اجتماعی بین بهره‌برداران در هر فضای جمعی مشترک یک معماری قابل حصول در تعامل با دیگران را به وجود می‌آورد (Forgas, 2000). در صورتی که فضای جمعی اجتماع‌گریز باشد، مردم را از هم دور می‌کنند (Osmand, 1957) (تصویر شماره ۲). میزان اجتماع‌پذیری فضا متأثر از عوامل گوناگون و پیچیده کالبدی، اجتماعی و فعالیتی است (شجاعی و پرتوی،

از آنجایی که بهره‌گیری از هر قابلیت در محیط، امکان ایجاد یک رفتار خاص برای کاربر آن محیط (به عنوان مثال خلوت‌گزینی) را فراهم می‌سازد، با بهره‌گیری از نظریه قابلیت‌های محیط می‌توان منجر به شکل‌گیری ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر و گریز به منظور تنظیم خلوت ساکنین شد.

بر اساس موارد ذکر شده، هدف اصلی این پژوهش کاربست نظریه قابلیت‌های محیط به منظور خلوت‌گزینی ساکنین آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه است که به منظور نیل به هدف اصلی، باید به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

۱. چه رابطه‌ای میان نظریه قابلیت‌های محیط و مقوله خلوت‌گزینی در مسکن وجود دارد؟
۲. وضع موجود در آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه شهر تهران به منظور کاربست راهبردهای نظریه قابلیت‌های محیط به جهت خلوت‌گزینی چگونه است؟
۳. چه راهبردهایی را می‌توان به منظور خلوت‌گزینی در مسکن معاصر شهر تهران ارائه نمود؟

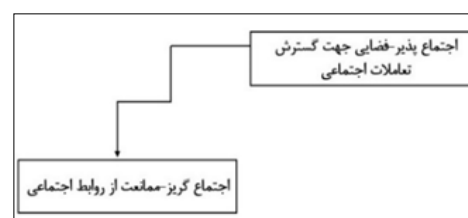
ادبیات موضوع

تعاریف و مفاهیم

خلوت

مفهوم خلوت و حریم شخصی در فرهنگ‌های مختلف بسته به عوامل متعددی از جمله: «شخصیت‌ها، ایدئولوژی‌ها، بایدها و نبایدها و ارزش‌های افراد و جوامع» متفاوت است. حریم خصوصی و خلوت شخصی، حالتی است که (فرد یا گروه) از مشاهده یا شنیدن دیگران بدون نظارت آن‌ها، به‌ویژه در فضای شخصی خود (به عنوان مثال محل سکونتشان) آزاد باشد. این یک عامل اجتماعی و فرهنگی است، بنابراین «شامل هر عملکردی است که فرد بخواهد در حریم شخصی خود بر اساس آن رفتار کند» (Al Birawi &

۱۳۹۴: ۹۹). فرم، هندسه، نظم، هماهنگی، تشخیص، هارمونی، تنوع ابعاد و تناسبات و سایر ابعاد زیبایی‌شناسانه (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶: ۲۵) از عوامل کالبدی مؤثر بر بعد اجتماع‌پذیری فضا هستند. توجه به اعتقادات، نماد، نشانه‌ها نیز در بسترهای فرهنگی و اعتقادی موجب جمع شدن افراد و تعامل اجتماعی بین ساکنین شده است (باقری و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۰). از سویی دیگر، ارتباط با طبیعت از طریق مصالح طبیعی یا حضور طبیعت را عاملی برای تقویت تعامل بین افراد دانسته‌اند (Bennet, 2012). چیدمان فضا بر اساس الگوی رفتاری، دسترسی روشن، فعالیت‌های منطبق با محیط، وجود عناصر زیبایی‌شناسی در محیط، ایجاد مراودات اجتماعی، کاربرد اجتماعی، تعدد و توالی فضاها، ارتباط فضاهای عمومی و خصوصی (دهناد و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۹) از عوامل فعالیتی تأثیرگذار بر بعد اجتماع‌پذیری فضا هستند.



ت ۲. فضای اجتماع‌پذیر / اجتماع‌گریز (مأخذ: مولوی نجوی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۵)

قابلیت‌های محیط

واژه قابلیت در فارسی معادل واژه Affordance در انگلیسی به کار می‌رود. اساس مفهوم قابلیت بر پایه رابطه بین محیط و کاربر و احتمال ایجاد عملی است که ممکن است منجر به ایجاد این رابطه گردد. ادراکات مردم نیز بر ماهیت مفهوم و شکل‌گیری قابلیت‌های محیطی نقشی اساسی دارد (Young & Cleveland, 2022). قابلیت‌های موجود در محیط منجر به شکل‌گیری

رفتار و اعمال کاربر می‌شود. درواقع قابلیت‌ها چیزی را در محیط تغییر نمی‌دهند، صرفاً عملکردی تغییر یا حرکت می‌کند (Kuoppa et al., 2019).

بر اساس دیدگاه نورمن (۱۹۹۹)، فعالیت‌ها به علت محیط ایجاد نمی‌شوند یا توسط انگیزش استخراج نمی‌شوند، بلکه روش‌های جاندار (انسان) برای به کار بردن قابلیت‌ها در محیط خود هستند که باعث به وجود آمدن فعالیت‌ها می‌شوند (Norman, 1999) (تصویر شماره ۳).



ت ۳. بر اساس نظریه قابلیت‌های محیطی افراد بر اساس انگیزه‌های درونی از قابلیت محیط استفاده می‌کنند. باینکه آمفی‌تئاتر روباز محلی، فضایی برای جمع شدن است اما این فرد در این ساعت از روز در این آمفی‌تئاتر خلوت‌گزینی کرده است (مأخذ: شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۹: ۱۰۷)

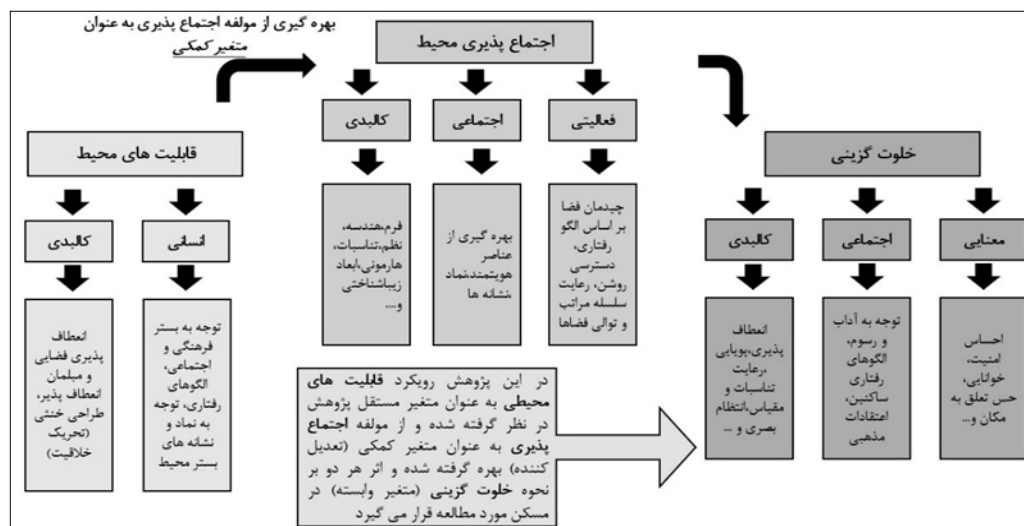
در حوزه قابلیت‌های محیطی در فضاهای سکونت، جنبه «بهره‌مندی از مقوله‌ها در محیط به‌عنوان ویژگی‌های کالبدی و عملکردی محیط» در نحوه انتخاب راهبردهای طراحی در فضا حائز اهمیت است که نقش چگونگی استفاده ساکنان از اشیاء را برای تعیین و تبیین قابلیت‌های محیطی مشخص می‌کند (Feijter & van Vliet, 2021).

چهارچوب نظری تحقیق

بر اساس دیدگاه راپاپورت (۱۹۶۷) «خلوت توانایی کنترل تعامل اجتماعی است و بسته به فرهنگ افراد

خاص (به عنوان مثال خلوت و یا حس ازدحام) می شود. با توجه به آنکه هدف این پژوهش تحقق خلوت در فضاهای سکونتی است؛ با کاربست و بهره گیری از هریک از قابلیت های موجود در محیط (متغیر مستقل) امکان اجتماع پذیری/گریزی هرچه بیشتر در محیط فراهم می گردد (متغیر تعدیل کننده) که در نهایت بر چگونگی و کیفیت خلوت گزینی ساکنین تأثیر می گذارد (متغیر وابسته). از طرفی تمرکز پژوهش های پیشین عموماً بر جنبه های عملکردی و کالبدی فضا بر تحقق خلوت بوده و به جنبه های فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی و مذهبی ساکنین توجه لازم مبذول نگردیده است. با این حال همان گونه که پیشتر نیز ذکر شد، یکی از دلایل اصلی عدم توجه به مقوله خلوت گزینی در مسکن تحولات اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و ... در کلان شهرها است که منجر به تنزل مساحت آپارتمان ها و سایر شاخص های کالبدی گردیده است. لذا شاخص هایی چون مساحت ساختمان، طبقه، تعداد خانوارها یکسان و به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده و اثر آن در این پژوهش بر سایر متغیرها خنثی است (تصویر شماره ۴).

تعریف می شود...». آلمن (۱۹۷۵) نیز اذعان می دارد که «...خانه باید مرزی محکم و استوار میان فرد و دنیای بیرون او ایجاد کند و طراحی داخلی آن طوری باشد که هم رابطه متعادل اعضای خانواده با طبیعت بیرون میسر باشد و هم تعامل افراد در داخل خانه تأمین شود...». در واقع خلوت گزینی رفتاری است که در سه بعد ادراکی و معنایی، اجتماعی و فرهنگی و نهایتاً کالبدی امکان تحقق را دارد. با این حال از نظر مایر و همکاران (۲۰۰۹)، قبل از اینکه یک رفتار دارای قابلیت بتواند رخ دهد، قابلیتی باید وجود داشته باشد (Maier et al, 2009). در واقع با بهره مندی از قابلیت های موجود در محیط می توان به پیش بینی و تحقق یک رفتار (به عنوان مثال خلوت گزینی) مطلوب دست یافت. پلر (۲۰۱۲) در تعریف قابلیت معتقد است که قابلیت ها «فرصت هایی برای فعالیت» هستند؛ یعنی درک ما از قابلیت ها می تواند همانند درک ما از فعالیت ها دقیق باشد (به نقل از نقديبشي و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۸). بر اساس نظریات نظریه پردازان حوزه علوم رفتارشناسی محیط بهره گیری از هریک از قابلیت های موجود در محیط منجر به شکل گیری و تحقق یک رفتار



ت ۴. مدل مفهومی تحقیق

معرفی و بررسی نمونه‌های مطالعاتی

محدوده مطالعاتی این پژوهش شامل تعدادی از آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه در شهر تهران است^۱. بدین منظور برای تبیین نمونه‌ها از چهار منطقه شمال/جنوب/شرق و غرب تهران، یک آپارتمان به عنوان نمونه مطالعاتی در نظر گرفته شد. نمونه‌های مطالعاتی شامل چهار آپارتمان است که هریک در منطقه ۱ در شمال تهران (محدوده قیطریه)، منطقه ۵ در غرب تهران (محدوده پونک)، منطقه ۸ در شرق تهران (محدوده تهرانپارس) و منطقه ۱۹ در محدوده جنوبی تهران (محدوده عبدالآباد) واقع شده‌اند. انتخاب نمونه‌های مطالعاتی از طریق مشورت با اساتید و متخصصین صورت گرفته است. یکی از اصلی‌ترین پیش‌فرض‌های متخصصین در نحوه انتخاب و گزینش نمونه‌های مطالعاتی تمرکز بر ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و مذهبی ساکنین در هر منطقه است. درواقع متخصصین اذعان می‌دارند که باتوجه به تمرکز پژوهش‌های پیشین

بر لزوم توجه به معیار کالبدی و شاخص‌های وابسته به آن به منظور خلوت‌گزینی ازجمله مساحت ساختمان، ابعاد، الگوهای طراحی، چیدمان و ... در این پژوهش تمرکز متخصصین در انتخاب نمونه‌های مطالعاتی بر معیار کالبدی نبوده و با انتخاب چهار ساختمان مسکونی در چهار منطقه مختلف از شهر تهران (با الگوهای رفتاری، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی مختلف) اهمیت این مهم بر چگونگی خلوت‌گزینی ساکنین با تکیه بر قابلیت‌های محیطی توسط محققین بررسی گردید. این مسئله‌ای است که تاکنون در پژوهش‌های پیشین موردبررسی قرار نگرفته است؛ چراکه تمرکز پژوهش‌های پیشین عموماً بر عوامل کالبدی و شاخص‌های وابسته به آن بر چگونگی خلوت‌گزینی در مسکن بوده است. بر این اساس، تصاویر و نیز وضع موجود در محدوده مطالعاتی از منظر خلوت‌گزینی و نیز میزان رضایتمندی ساکنین مطابق با جدول شماره ۱ قابل‌ارائه است.

ج ۱. بررسی وضع موجود در نمونه‌های مطالعاتی از منظر قابلیت‌های محیطی به منظور

نمونه مطالعاتی	شرح وضع موجود از منظر قابلیت‌های محیطی	تصاویر
آپارتمان مسکونی واقع در منطقه ۱ (محدوده قیطریه)	یکپارچگی فضای داخلی و تجاوز به حریم شخصی خوانایی و ادراک نامطلوب ساکنین از فضای داخلی آپارتمان عدم طراحی و چیدمان فضایی انعطاف‌پذیر حس تعلق به مکان نسبتاً پایین به فضا در میان ساکنین	
آپارتمان مسکونی واقع در منطقه ۱۹ (محدوده عبدالآباد)	عدم رعایت سلسله‌مراتب دسترسی عدم هماهنگی نحوه طراحی با ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی منطقه (عدم رعایت اصل حریم در فضا) میل‌مان انعطاف‌پذیر عدم تفکیک فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی در طراحی آپارتمان	
آپارتمان مسکونی واقع در منطقه ۸ (محدوده تهرانپارس)	رعایت نسبی سلسله‌مراتب دسترسی استفاده حداکثری از بناها و نگرش کاملاً عملکردگرایانه خلاقیت اندک و نوآور نبودن طراح در طراحی فضاهای داخلی به جهت خلوت‌گزینی یکپارچگی فضاها	
آپارتمان مسکونی واقع در منطقه ۵ (محدوده پونک)	یکپارچگی فضای داخلی و تجاوز به حریم شخصی وجود تراس در آپارتمان به عنوان فضایی مطلوب به جهت خلوت‌گزینی عدم وجود میلمان و فضاهای انعطاف‌پذیر نبود تعادل مطلوب در طراحی فضاهای باز و بسته در داخل مسکن مساحت نسبتاً بالای آپارتمان و فرصتی جهت کاربردهای نظریه قابلیت‌های محیطی	

این پژوهش از منظر هدف کاربردی است چراکه هدف اصلی آن، تنظیم و تحقق خلوت ساکنین آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه در شهر تهران از طریق راهبردهای موجود در نظریه قابلیت‌های محیطی است. به منظور تحقق هدف اصلی و پاسخ به پرسش‌های پژوهش، از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و پیمایشی بهره گرفته شد. این پژوهش از نوع تحقیقات آمیخته و دارای دو بخش کیفی و کمی است. در بخش اول (کیفی) پژوهش به صورت توصیفی و نظری به بررسی و جمع‌آوری عوامل اثرگذار بر ارتقای خلوت‌گزینی از طریق نظریه قابلیت‌های محیطی پرداخته شد و بر اساس آن چهارچوب مفهومی تحقیق تنظیم گردید. در ادامه به منظور بررسی وضع موجود در آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه، چند نمونه آپارتمان مسکونی به صورت تصادفی انتخاب گردید و از منظر خلوت‌گزینی و بهره‌گیری از راهبردهای موجود در نظریه قابلیت محیط از تکنیک سوات مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه و در بخش دوم (کمی) پژوهش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته و نیز مشاهدات میدانی در محدوده مطالعاتی، پرسش‌نامه بسته به منظور ارائه راهبردهای تخصصی در اختیار جامعه آماری متخصص قرار داده شد. جامعه آماری این

پژوهش شامل ۵۰ نفر از معماران و طراحان متخصص در حوزه طراحی، ساخت و اجرای آپارتمان‌های مسکونی در شهر تهران و نیز اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه علوم روان‌شناختی محیط است. نحوه انتخاب جامعه آماری به صورت هدفمند است، چراکه این تکنیک امکان تعمیم‌پذیری بیشتری را با توجه به حس اعتماد مشارکت‌کننده به دست می‌دهد. روش تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از آزمون T-Test، فریدمن، تحلیل عاملی و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری است که در این بخش از پژوهش از دو نرم‌افزار Smartpls3 و Spss22 استفاده شده است.

یافته‌ها

بررسی پایایی گویه‌های پژوهش

در ابتدا باید ضرایب گویه‌ها و پایایی مقیاس‌های انتخابی برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون بررسی شود. طبق جدول شماره ۲، میزان بارهای عاملی و ضرایب معناداری بین گویه‌های هر سازه تعیین شده است که ضریب t بالای ۱/۹۶ نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین گویه‌ها و مؤلفه‌ها وجود دارد. پایایی آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بالاتر از ۰/۷ نشانگر پایایی قابل قبول است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳: ۹۳) که در این پژوهش همه گویه‌ها پایایی مطلوبی دارند.

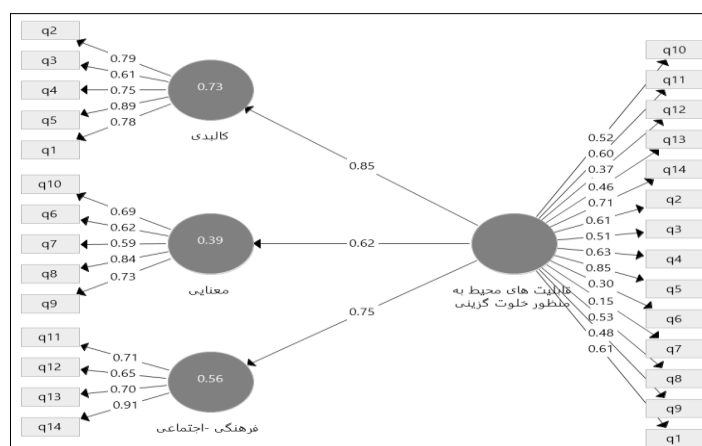
ج ۲. ضرایب گویه‌ها و ضرایب پایایی متغیرها

متغیر	ابعاد	گویه	متغیرهای آشکار		متغیرهای پنهان	
			بار عاملی	ضریب معناداری	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
قابلیت‌های محیط به منظور خلوت‌گزینی	کالبدی	چیدمان مبلمان	۰/۷۷۷	۱۴/۱۲۱	۰/۸۲۰	۰/۸۷۵
		فرم، هندسه، هماهنگی و هارمونی	۰/۷۸۸	۱۳/۴۷۳		
		رعایت ابعاد زیباشناسانه محیط	۰/۶۰۸	۸/۱۱۲		
		طراحی انعطاف‌پذیر	۰/۷۴۶	۱۸/۲۳۲		
		رعایت سلسله‌مراتب دسترسی	۰/۸۸۶	۴۹/۳۴۶		
معنایی		احساس امنیت و آرامش	۰/۶۱۸	۲/۶۵۱	۰/۷۵۶	۰/۸۲۵
		بهره‌گیری از عناصر هویت‌مند، نماد و نشانه	۰/۵۸۶	۲/۴۸۱		
		خوانایی محیط	۰/۸۴۳	۵/۷۱۰		
		ایجاد انگیزه‌های حضور در فضا	۰/۷۲۹	۶/۶۲۵		

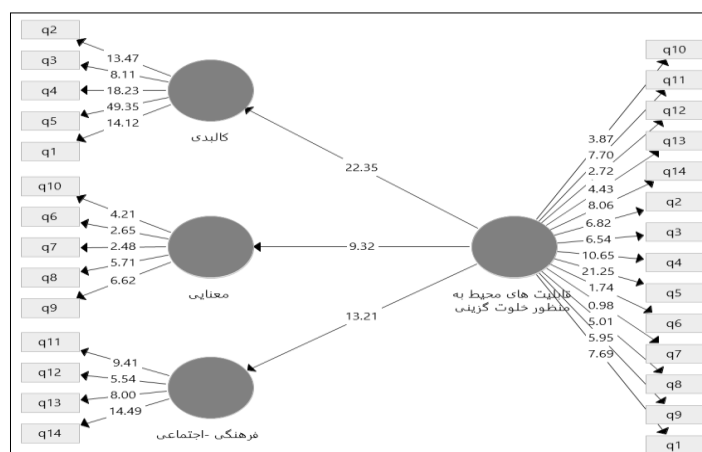
		۴/۲۱۴	۰/۶۹۳	ارتباط با طبیعت		
		۹/۴۰۸	۰/۷۰۸	بررسی ویژگی‌های فرهنگی ساکنین منطقه		
		۵/۵۴۲	۰/۶۴۹	توجه به الگوهای رفتاری ساکنین		
		۷/۹۹۶	۰/۷۰۰	توجه به اعتقادات مذهبی		
		۱۴/۴۹۲	۰/۹۰۹	توجه به ویژگی‌های جغرافیایی منطقه		
۰/۸۳۳	۰/۷۳۴			فرهنگی - اجتماعی		
۰/۸۴۶	۰/۸۰۵			مجموع		

مربوطه می‌توان به بررسی معنی‌دار آثار بین سازه‌های تحقیق پرداخت. به‌منظور بررسی معنی‌داری ضرایب مسیر از روش بازنمونه‌گیری^۲ در حالت ۱۰۰۰ نمونه که در روش حداقل مربعات جزئی توصیه شده (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳: ۱۰۱) استفاده شد. نتایج در تصاویر شماره ۵ و ۶ نشان می‌دهد که مدل از اعتبار خوبی برخوردار است.

پس از انجام تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و استخراج گویه‌های حائز بار عاملی معنادار، نسبت به بررسی پایایی و روایی گویه‌ها اقدام گردید. بنابراین، با استفاده از مدل ساختاری روابط بین سازه‌ها به لحاظ علی‌موردبررسی قرار گرفت. درواقع با در نظر گرفتن نتایج بررسی روابط بین سازه‌ها با استفاده از ضریب



ت ۵. بار عاملی و ضریب تعیین مدل اندازه‌گیری



ت ۶. ضرایب معناداری آزمون t مدل اندازه‌گیری

بررسی روایی و اگرای متغیرهای پژوهش

طبق نتایج حاصل در جدول شماره ۳، میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه و میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با سازه‌های دیگر مقایسه شده است. مقدار همبستگی میان شاخص‌ها با سازه‌های مربوط به خود (اعداد رنگی ماتریس) از همبستگی میان آن‌ها و سایر سازه بیشتر است که این مطلب گواه مناسب بودن روایی و اگرای بارهای عاملی متقابل^۳ است (طباطبائی و جهانگرد، ۱۳۹۵: ۹۷).

بررسی شاخص نیکوی برازش

کیفیت مدل ساختاری توسط شاخص قدرت پیش‌بینی Q^2 نیز محاسبه شد. هدف این شاخص بررسی توانایی مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن به روش چشم‌پوشی^۳

است که بر اساس این ملاک مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زا انعکاسی را پیش‌بینی کند. مقادیر مثبت و بالای صفر نشان می‌دهند که مقادیر مشاهده‌شده خوب بازسازی شده‌اند (طباطبائی و جهانگرد، ۱۳۹۵: ۹۸) و می‌توان گفت مدل ساختاری از کیفیت مناسبی برخوردار است. شاخص نیکوی برازش که توسط تننهاوس و همکاران^۴ (۲۰۰۴) ابداع شد و طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی نمودند که بر اساس محاسبه صورت‌گرفته شاخص نیکوی برازش مدل به شرح زیر می‌باشد: (جدول شماره ۴).

$$\text{ضریب تعیین} \times \text{روایی همگرا} = \sqrt{0.53 \times 0.56} = 0.545$$

ج ۳. روایی و اگرا به روش بارهای عاملی متقابل

گوپه‌ها	کالبدی	معنایی	فرهنگی - اجتماعی
چیدمان مبلمان	۰/۷۷۷	۰/۱۳۵	۰/۳۰۹
فرم‌هندسه، هماهنگی و هارمونی	۰/۷۸۸	۰/۲۲۰	۰/۱۸۳
رعایت ابعاد زیباشناسانه محیط	۰/۶۰۸	۰/۲۲۸	۰/۲۱۲
طراحی انعطاف‌پذیر	۰/۷۴۶	۰/۱۵۶	۰/۳۷۷
رعایت سلسله‌مراتب دسترسی	۰/۸۸۶	۰/۳۵۵	۰/۵۶۳
احساس امنیت و آرامش	-۰/۱۸	۰/۶۱۸	۰/۲۱۴
بهره‌گیری از عناصر هویت‌مند، نماد و نشانه	-۰/۱۳۴	۰/۵۸۶	۰/۴۱
خوانایی محیط	۰/۲۶۶	۰/۸۴۳	۰/۲۱۸
ایجاد انگیزه‌های حضور در فضا	۰/۳۴۳	۰/۷۲۹	۰/۸۳
ارتباط با طبیعت	۰/۳۰۵	۰/۶۹۳	۰/۲۵۱
بررسی ویژگی‌های فرهنگی ساکنین منطقه	۰/۴۹۹	۰/۹۵	۰/۷۰۸
توجه به الگوهای رفتاری ساکنین	۰/۱۳	۰/۲۸۲	۰/۶۴۹
توجه به اعتقادات مذهبی	۰/۲۴۵	۰/۱۲۵	۰/۷۰۰
توجه به ویژگی‌های جغرافیایی منطقه	۰/۴۵۲	۰/۲۶۴	۰/۹۰۹

ج ۴. شاخص‌های کیفیت مدل ساختاری متغیرهای درون‌زا

متغیرهای مکنون وابسته	روایی همگرا	ضریب تعیین	قدرت پیش‌بینی Q^2			نیکوی برازش
			$Q^2 = 1 - \text{SSE}/\text{SSO}$	SSE	SSO	
کالبدی	۰/۵۸۷	۰/۷۲۷	۰/۳۹۳	۳۰۳/۳۷۴	۵۰۰/۰	۰/۵۴
معنایی	۰/۴۹۰	۰/۵۵۵	۰/۱۵۸	۴۲۰/۹۲۰	۵۰۰/۰	
فرهنگی - اجتماعی	۰/۵۶۰	۰/۳۹۰	۰/۲۸۳	۲۸۶/۸۵۸	۴۰۰/۰	
قابلیت‌های محیط به‌منظور خلوت‌گزینی	۰/۵۰۲	-	-	۱۴۰۰/۰	۱۴۰۰/۰	

آزمون t متغیرهای تحقیق

دو آزمون فریدمن نشان از وجود اهمیت و اولویت در سطح گویه‌های بعد کالبدی دارد.

همچنین با استفاده از آزمون فریدمن اولویت گویه‌های بعد معنایی به ترتیب اهمیت گزارش شد؛ بنابراین اهمیت گویه «خوانایی محیط» و گویه «ارتباط با طبیعت» به ترتیب عنوان رتبه نخست و آخر را به خود اختصاص دادند. معناداری ضریب خی دو آزمون فریدمن نشان از وجود اهمیت و اولویت در سطح گویه‌های بعد معنایی دارد.

در جدول فوق با استفاده از آزمون فریدمن اولویت گویه‌های بعد فرهنگی - اجتماعی به ترتیب اهمیت گزارش شد؛ بنابراین اهمیت گویه «بررسی ویژگی‌های فرهنگی ساکنین منطقه» و گویه «توجه به الگوهای رفتاری ساکنین» به ترتیب به عنوان رتبه نخست و آخر معرفی شدند. معناداری ضریب خی دو آزمون فریدمن نشان از وجود اهمیت و اولویت در سطح گویه‌های بعد فرهنگی - اجتماعی دارد.

برای بررسی وضعیت متغیرهای مورد مطالعه از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره ۵ آورده شده است. برای امتیازدهی، میانگین مجموع نمرات سؤالات هر مؤلفه به عنوان مبنا در نظر گرفته شد و باتوجه به طیف پنج درجه‌ای لیکرت نقطه برش طیف میانی پرسش‌نامه، ۲ بود که در پژوهش حاضر معیار مقایسه میانگین بدین صورت بود که میانگین تجربی (۳/۱-۱) در سطح نامطلوب و (۳/۱-۵) در سطح مطلوب ارزیابی شد؛ بنابراین میانگین ملاکی در سطح مطلوب برابر با ۳/۱ است (جدول شماره ۵).

در جدول شماره ۵ با استفاده از آزمون فریدمن اولویت گویه‌های بعد کالبدی به ترتیب اهمیت گزارش شد؛ بنابراین اهمیت گویه «چیدمان مبلمان» و گویه «رعایت ابعاد زیباشناسانه محیط» به ترتیب رتبه نخست و آخر را به خود اختصاص دادند. معناداری ضریب خی

ج ۵. آزمون t وضعیت گویه‌های قابلیت‌های محیط به منظور خلوت‌گزینی

ابعاد	گویه	متن گویه	df=۴۹ میانگین ملاکی = ۳/۱					آزمون فریدمن	
			میانگین تجربی	تفاوت میانگین	T	معناداری	میانگین رتبه	رتبه	
کالبدی	q۱	چیدمان مبلمان	۴/۲۲	۱/۱۲	۱۱/۱۸	۰/۰۰	۳/۷۶	۱	
	q۲	فرم، هندسه، هماهنگی و هارمونی	۳/۲۸	۰/۱۸	۱/۴۸	۰/۱۴	۲/۵۰	۴	
	q۳	رعایت ابعاد زیباشناسانه محیط	۲/۸۶	-۰/۲۴	-۱/۸۳	۰/۰۷	۱/۸۸	۵	
	q۴	طراحی انعطاف‌پذیر	۴/۱۰	۱	۱۰	۰/۰۰	۳/۶۲	۲	
	q۵	رعایت سلسله‌مراتب دسترسی	۳/۸۶	۰/۷۶	۵/۹۵	۰/۰۰	۳/۲۴	۳	
معنایی		مجموع	۳/۶۶	۰/۵۶	۱۱/۱۴	۰/۰۰	خی دو = ۶۱/۴۰	معناداری = ۰/۰۰	
	q۶	احساس امنیت و آرامش	۳/۵۲	۰/۴۲	۳/۱۲	۰/۰۰	۳/۰۳	۳	
	q۷	بهره‌گیری از عناصر هویت‌مند، نماد و نشانه	۳/۸۴	۰/۷۴	۶/۴۰	۰/۰۰	۳/۴۶	۲	
	q۸	خوانایی محیط	۴/۳۲	۱/۲۲	۱۳/۲۲	۰/۰۰	۴/۱۸	۱	
	q۹	ایجاد انگیزه‌های حضور در فضا	۳/۲۰	۰/۱۰	۰/۸۵	۰/۴۰	۲/۵۴	۴	
فرهنگی - اجتماعی	q۱۰	ارتباط با طبیعت	۲/۶۰	-۰/۵۰	-۴/۱۲	۰/۰۰	۱/۷۹	۵	
		مجموع	۳/۵۰	۰/۴۰	۸/۳۳	۰/۰۰	خی دو = ۷۷/۰۹	معناداری = ۰/۰۰	
	q۱۱	بررسی ویژگی‌های فرهنگی ساکنین منطقه	۴/۳۴	۱/۲۴	۱۳/۳۲	۰/۰۰	۳/۰۵	۱	
	q۱۲	توجه به الگوهای رفتاری ساکنین	۳/۳۰	۰/۲۰	۱/۶۰	۰/۱۲	۱/۸۴	۴	
	q۱۳	توجه به اعتقادات مذهبی	۳/۵۶	۰/۴۶	۴/۰۱	۰/۰۰	۲/۰۷	۳	
مجموع	q۱۴	توجه به ویژگی‌های جغرافیایی منطقه	۴/۳۰	۱/۲۰	۱۲	۰/۰۰	۳/۰۴	۲	
		مجموع	۳/۸۸	۰/۷۸	۱۳/۹۸	۰/۰۰	خی دو = ۴۵/۷۷	معناداری = ۰/۰۰	
			۳/۶۸	۰/۵۸	۲۰/۳۶	۰/۰۰			

ج ۶. آزمون t وضعیت ابعاد قابلیت‌های محیط به‌منظور خلوت‌گزینی

متغیر	ابعاد	میانگین ملاکی = ۳/۶۷ df=۲۹				آزمون فریدمن	
		میانگین تجربی	تفاوت میانگین	T	معناداری	میانگین رتبه	رتبه
قابلیت‌های محیط به‌منظور خلوت‌گزینی	کالبدی	۳/۶۶	۰/۵۶	۱۱/۱۴	۰/۰۰	۲/۰۱	۲
	معنایی	۳/۵۰	۰/۴۰	۸/۳۳	۰/۰۰	۱/۵۶	۳
	فرهنگی - اجتماعی	۳/۸۸	۰/۷۸	۱۳/۹۸	۰/۰۰	۲/۴۳	۱
	مجموع	۳/۶۸	۰/۵۸	۲۰/۳۶	۰/۰۰	خی‌دو = ۱۹/۸۲	معناداری = ۰/۰۰

نتایج حاصل از آزمون t یک نمونه‌ای ابعاد قابلیت‌های محیط به‌منظور خلوت‌گزینی نشان می‌دهد که همه ابعاد کالبدی، معنایی و فرهنگی - اجتماعی در سطح مطلوب ($p < ۰/۰۵$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۳/۱ قرار گرفته است. در نهایت متغیر قابلیت‌های محیط به‌منظور خلوت‌گزینی در سطح مطلوب ($p < ۰/۰۵$) و میانگین ملاکی بالاتر از ۳/۱ قرار گرفته است.

با استفاده از آزمون فریدمن اولویت ابعاد قابلیت‌های محیط به‌منظور خلوت‌گزینی به ترتیب اهمیت گزارش شد؛ بنابراین اهمیت بعد «فرهنگی - اجتماعی» و بعد «معنایی» به ترتیب عنوان رتبه نخست و آخر را به خود اختصاص دادند. معناداری ضریب خی دو آزمون فریدمن نشان از وجود اهمیت و اولویت در سطح ابعاد قابلیت‌های محیط به‌منظور خلوت‌گزینی دارد.

نتیجه

در این پژوهش تأثیر قابلیت‌های محیطی و مؤلفه‌های آن بر چگونگی خلوت‌گزینی ساکنین ساختمان‌های مسکونی در چهار منطقه از شهر تهران موردبررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق که به مدد تلفیق دو روش کیفی و کمی به دست آمده است، نشان می‌دهد که سه بعد فرهنگی - اجتماعی، کالبدی و معنایی تأثیر متفاوتی بر تحقق خلوت در مسکن معاصر می‌گذارند. نتایج نشان می‌دهد که بعد «فرهنگی - اجتماعی» با میانگین رتبه‌ای ۲/۴۳ بیشترین تأثیر را از منظر چگونگی خلوت‌گزینی و تحقق آن در مسکن از سوی ساکنین دارد. در ادامه بعد

«کالبدی» با میانگین رتبه‌ای ۲/۰۱ و بعد معنایی با میانگین رتبه‌ای ۱/۵۶ به ترتیب بعد از بعد «فرهنگی - اجتماعی» بیشترین تأثیر بر خلوت‌گزینی ساکنین آپارتمان‌های مسکونی کوتاه مرتبه دارند.

همچنین با بررسی شاخص‌های مستخرج از بعد «فرهنگی - اجتماعی» ویژگی‌های فرهنگی ساکنین با میانگین رتبه ۳/۰۵، ویژگی جغرافیایی با میانگین رتبه ۳/۰۴ و ویژگی‌های مذهبی ساکنین با میانگین رتبه‌ای ۲/۰۷ به ترتیب تأثیرگذارترین شاخص‌های بعد «فرهنگی - اجتماعی» هستند. باین حال با بررسی مبانی نظری پژوهش و آپارتمان‌های مورد مطالعه، توجه طراحان به تأمین خلوت محدود به ویژگی‌های صرفاً عملکردی بوده و به ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و مذهبی ساکنین توجه نگردیده است. از طرفی با بررسی وضع موجود می‌توان شاهد این مهم بود که ادراک قابلیت‌های محیطی موجود در ساختمان‌ها به‌منظور خلوت‌گزینی به دانش و فرهنگ ساکنین آن ارتباط دارد. درواقع ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و مذهبی افراد در یک ساختمان با توجه آنان به‌ضرورت خلوت‌گزینی ارتباط نزدیکی دارد (مشروط بر یکسان بودن مساحت‌ها و خانوار همگن در تمامی مناطق).

در ادامه با بررسی شاخص‌های مستخرج از بعد «کالبدی» چیدمان مبلمان با میانگین رتبه‌ای ۳/۷۶، طراحی انعطاف‌پذیر با میانگین رتبه‌ای ۳/۶۲ و رعایت سلسله‌مراتب دسترسی با میانگین رتبه‌ای ۳/۲۴ به ترتیب تأثیرگذارترین شاخص‌های بعد «کالبدی» هستند.

با وجود آنکه در بسیاری از مطالعات نظری و نیز پژوهش‌های صورت گرفته، ابعاد زیباشناسی محیط بر اجتماع‌پذیری/گریزی تأثیرگذار است، با بررسی وضع موجود در نمونه‌های مطالعاتی نمود این بعد در هر فرهنگ با فرهنگ دیگر متفاوت است؛ لذا بهره‌گیری از این بعد به منظور خلوت‌گزینی ساکنین راهبردی کاربردی نیست. بر اساس پاسخ جامعه آماری، بهره‌گیری از راهبردهای انعطاف‌پذیری فضایی و نیز چیدمان (مبل‌مان) انعطاف‌پذیر که قابلیت پاسخ به چندین رفتار را دارا هستند، می‌توانند به عنوان راهبردی کاربردی برای خلوت‌گزینی فردی و یا جمعی قابل استفاده باشند.

در نهایت با بررسی شاخص‌های مستخرج از بعد «معنایی» شاخص خوانایی محیط با میانگین رتبه‌ای ۴/۱۸ و شاخص بهره‌گیری از عناصر هویت‌مند، نماد و نشانه‌ها با میانگین رتبه‌ای ۳/۴۶ به ترتیب تأثیرگذارترین شاخص‌های بعد «معنایی» هستند. درواقع بر اساس پاسخ جامعه آماری و نیز وضع موجود در نمونه‌های مطالعاتی، خوانش و ادراک هرچه بیشتر ساکنین از فضای سکونت خود باعث درک هرچه بیشتر قابلیت‌های محیطی موجود به منظور خلوت‌گزینی افراد می‌گردد. بااین حال از میان دو مؤلفه کالبدی و فرهنگی - اجتماعی، مؤلفه معنایی، تأثیرگذاری کمتری به منظور خلوت‌گزینی از طریق بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی دارد. بر اساس یافته‌های تحقیق، ازجمله راهکارهای قابل‌ارائه به منظور خوانش و ادراک هرچه بیشتر فضاهای داخلی می‌توان به افزایش حس تعلق آنان به محیط از طریق به‌کارگیری عناصر هویت‌مند، مصالح و المان‌های خاطره‌انگیز اشاره نمود.

در پاسخ به پرسش اول پژوهش مبنی بر بررسی رابطه میان نظریه قابلیت‌های محیط و مقوله خلوت‌گزینی در

مسکن می‌توان بر اساس آزمون فریدمن و t تست اذعان نمود که رابطه معناداری میان بهره‌گیری از قابلیت‌های موجود در محیط و خلوت‌گزینی وجود دارد. درواقع قابلیت‌های موجود در محیط همواره به‌عنوان یک راهکار پویا امکان تحقق و انتخاب میان خلوت و اجتماع‌پذیری ساکنین را فراهم می‌آورد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش مبنی بر وضعیت آپارتمان‌های مسکونی شهر تهران از منظر قابلیت‌های محیطی موجود جهت تحقق خلوت می‌توان بیان نمود که بهره‌مندی از قابلیت‌های محیطی در فضاهای سکونتی به منظور اجتماع‌پذیری/گریزی هرچه بیشتر فضاها در جهت تحقق خلوت ساکنین با مشکلات و محدودیت‌های متعددی همراه است. یکی از مهم‌ترین این محدودیت‌ها تنزل مساحت ساختمان‌ها در پی مشکلات اقتصادی مردم است. لذا در انتخاب نمونه‌های مطالعاتی، مساحت ساختمان و خانوارها به‌عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته شد و به ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی و مذهبی ساکنین توجه بیشتری گردید. این مهم جنبه نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش‌های پیشین بود؛ چراکه در پژوهش‌های پیشین توجه پژوهشگران عمدتاً بر ویژگی‌های عملکردی و معیار کالبدی و شاخص‌های آن بر تحقق خلوت بوده است و به ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی ساکنین توجه نشده بود. درواقع بهره‌گیری از قابلیت‌های محیطی به فرهنگ، دانش، مذهب و الگوهای رفتاری ساکنین آن بستگی دارد؛ به‌عنوان مثال در یک فرهنگ خاص توجه به خلوت شخصی و حریمیت نسبت به فرهنگ دیگری اهمیت بیشتری دارد.

در نهایت و در پی پاسخ به پرسش سوم پژوهش می‌توان به منظور خلوت‌گزینی در ساختمان‌های مسکونی ابتدا به اولویت‌های فرهنگی - اجتماعی،

تبیین رابطه بین مؤلفه‌های مؤثر بر کیفیت فضای باز جمعی در ارتقاء اجتماع‌پذیری محیط. *فصلنامه مطالعات شهری*. ۱۰(۳۷). ۴۵-۵۶.

- شاهچراغی، آزاده؛ بندرآباد، علیرضا. (۱۳۹۹). محاط در محیط (کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی).

نشر سازمان جهاد دانشگاهی تهران. چاپ چهارم
- شجاعی، دلارام؛ پرتوی، پروین. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقای اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران)، *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر*. ۱۲(۳۴). ۹۳-۱۰۸.

- طباطبائی، سجاد؛ جهانگرد، حمیده. (۱۳۹۵). تحلیل ساختاری خودکارآمدی تصمیم‌گیری شغلی بر اطمینان تصمیم‌گیری شغلی با میانجی‌گری ابعاد فرصت‌یابی حرفه‌ای. *فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌نامه تربیتی*. ۱۱(۴۷): ۸۵-۱۱۲.

- مولوی نجومی، پانیده؛ جلالیان، سارا؛ دژدار، امید. (۱۳۹۹). تبیین قابلیت‌های بهینه محیط در راستای اجتماع‌پذیری فضاهای آموزشی فرهنگی مخصوص نوجوانان (نمونه مطالعاتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان). *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*. ۲۲(۱۱). ۶۱-۷۴.

- نقدبیشی، رضا؛ برق جلوه، شهیندخت؛ اسلامی، سید غلامرضا؛ کامل نیا، حامد. (۱۳۹۵). الگوی آموزش معماری بر اساس نظریه قابلیت‌های محیطی گیبسون. *هویت شهر*. ۱۰(۲). ۷۵-۸۴.

- Al-Birawi, Sana' and 'Adawi, 'Ala' Al-Din (2019) "Privacy Criteria and Elements in Islamic Residential Architecture," *Jordan Journal of Islamic Studies*: Vol. 15: Iss. 3, Article 20.
- Altman, I. (1975). *Environmental and Social Behavior* Monterey. Ca: Brooks/Cole.
- Bennet, S. A. (2012). *Playground Accessibility and Neighborhood Social Interaction among Parents*. Social Indicators Research. Volume 108. (2): 199-213.
- Bott, H. (2012). The dimensions of sustainability. In *GreenAge: Approaches and Perspectives Towards Sustainability* (Ergonul S, Kocabas A, Erbas E, Gundes S, Karaosman KS and Eren IO (eds)). Mimar Sinan Fine Arts University, Istanbul, Turkey, pp. 23-47.
- de Macedo, P.F., Ornstein, S.W. & Elali, G.A. (2022). Privacy and housing: research perspectives based on a systematic literature review. *J Hous and the Built Environ* 37, 653-683 .
- De Feijter, F.J., van Vliet, B.J. (2021). Housing retrofit as an intervention in thermal comfort practices:

مذهبی و رفتاری ساکنین توجه نمود و در ادامه آن از راهبردهای کالبدی و شاخص‌های آن بهره جست. بااین حال باتوجه به آنکه عموم پژوهش‌های مرتبط با خلوت‌گزینی متمرکز بر راهبردهای کالبدی و عملکردی بوده و به معیارهای فرهنگی - اجتماعی توجه کمتری شده است پیشنهاد می‌گردد تا پژوهش‌های بیشتری در این حوزه به منظور تحقق خلوت از منظر معیارهای فرهنگی و مذهبی انجام شود.

پی‌نوشت

۱. انتخاب محدوده‌های مطالعاتی از طریق مشورت با اساتید و متخصصین و مشاهدات میدانی و عکاسی‌ها نیز با کسب اجازه از ساکنین آپارتمان‌ها صورت گرفته است.

2. Resample
3. Cross Loadings
4. Blindfolding
5. Tenenhaus et al.

فهرست منابع

- باقری، حسین؛ نوروزیان‌ملکی، سعید؛ حسینی، سیدباقر. (۱۳۹۵). شناسایی متغیرهای مؤثر بر اجتماع‌پذیری در حوزه مسکن. *مسکن و محیط روستا*. ۳۵(۱۵۴). ۲۸-۱۷.
- حبیب‌زاده، عمران؛ محمد؛ عینی‌فر، علیرضا؛ شاهچراغی، آزاده. (۱۴۰۱). تأثیر «گونه‌های سازمان فضایی» واحدهای مسکونی آپارتمانی بر «خلوت و تعامل اجتماعی» (موردپژوهی آپارتمان‌های مسکونی متداول شهر آمل). *فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی*. ۷(۱): ۱۱۳-۱۲۹.
- خامنه‌زاده، حنانه. (۱۳۹۶). مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان خانه ایرانی مطالعه تطبیقی آن در خانه ایرانی ماقبل مدرن و خانه مدرن ایرانی. *باغ نظر*. ۱۴(۴۹). ۳۱-۴۰.
- دانشپور، سید عبدالهادی؛ چرخچیان، مریم. (۱۳۸۶). فضاهای عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، *فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر*. دوره ۴، شماره ۷، ۱۹-۲۸.
- داوری، علی؛ رضازاده، آرش. (۱۳۹۳). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS*. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دهناد، نازنین؛ مهدی نژاد، جمال‌الدین؛ کریمی، باقر. (۱۳۹۹).

- Chinese and Dutch householder perspectives. *Energy Efficiency* 14, 2 .
- Forgas, J. (2000). Psychology of social interaction, interpersonal behavior. Translated by: M. Firoozbakht & K. Beygi, Abjd Publication .
 - Gifford, R., Steg, L., Reser, J. P. (2011). Environmental Psychology. In: Martin, P. R., Cheung, F. M., Knowles, M. C., Kyrios, M., Littlefield, L., Overmier, J. B., & Prieto, J. M. (Eds.). (2011). *IAAP handbook of applied psychology*. Wiley Blackwell.
 - Heft, H. (2005). Ecological psychology in context. James Gibson, Roger Baker and the Legacy of William James Radical Empiricism. Newyork: Routledge.
 - Kuoppa, J., Nieminen, N., Ruoppila, S., & Laine, M. (2019). Elements of desirability: exploring meaningful dwelling features from resident's perspective. *Housing Studies*.
 - Lennard, S. G., & Lennard, H. (1993). Urban Space Design and Social Life. Companion to contemporary architectural. (London: Rutledge).
 - Maier, J., Fadel, R., Georges, M. (2009). Affordance based design: Arelation of theory design. Research in engineering design, 20 .13-27.
 - Merino, M. D., Vallengano, M. D., Oliver, C., & Mateo, I. (2021). What makes one feel eustress or distress in quarantine? An analysis from conservation of resources (COR) theory. *British Journal of Health Psychology*.
 - Norman, D.A. (1999). Affordance, Conventions and design. *Interaction*.5(3).38-42.
 - Nguyen, V. M. (2020). Alone together. *Anthropology in Action*, 27(3), 14–17.
 - Osmand, H. (1957). Function as basis of psychiatric - ward design. Holt Rine hart & Winston.
 - Pallasmaa, J. (2009). The Thinking hand: Existential and embodied wisdom in Architecture. Chichester: Wiley Chichester.
 - Pols, Auke, J.K. (2012). Characterizing Affordance, The descriptions of affordance model. *Design studies*, 33, 113-125.
 - Rapoport, A. (1967). Yagua-Amazon dwelling Landscape, 16, 27-30.
 - Tenenhaus, M., Amato, S., & Esposito Vinzi, V. Z (2004). A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modelling. In Proceeding of the XLII SIS scienific meeting, 739-742.
 - Young, F., Cleveland, B. (2022). Affordances, Architecture and the Action Possibilities of Learning Environments: A Critical Review of the Literature and Future Directions. *Buildings*. 12(1):76.

DOI: 10.22034/42.182.49